

بررسی تطبیقی وضعیت دینداری در عصر غیبت و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ساجده فاطمه^۱

چکیده

بهره‌مندی از امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت مستقیم در عصر ظهور تفاوت اساسی با زمان محرومیت از حضور معصوم در زمان غیبت دارد و نقش آفرینی مجزایی در همه ابعاد زندگی انسان ایفا می‌کند. عصر غیبت یا دوره آخرالزمان دوره‌ای است که پیدایش بدعت‌ها در دین و شعائر دینی به اوج می‌رسد؛ بدعت‌هایی که آنچنان در بطن سنت‌ها و اصالت‌های اسلامی نفوذ می‌کنند که بسیاری از دین‌داران به هیچ‌روی گمان بدعت بودن آنها را نخواهند داشت. نبود امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان امت اسلامی و هادی و راهنما اثرات قابل توجهی در فهم و استنباط مسلمین از مسائل دینی ایجاد می‌کند. براساس آیات و روایات، وضعیت دینداری مسلمین در عصر غیبت دستخوش انحرافات و بدعت‌هایی می‌شود که اصلاح آن فقط به دست امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف شدنی است. فراموش کردن سنت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و برداشت‌های ذوقی و شخصی از احکام اسلامی و معیار قرار دادن منفعت شخصی و گروهی به جای محوریّت قرار دادن رضایت خداوند متعال از اتفاقات ناگواری است که در عصر غیبت گریبان‌گیر امت اسلامی می‌شود. آخرین حجت و ذخیره الهی با قیام و ظهور خود، وضعیت دینداری مردم را اصلاح کرده و چنان تغییراتی در اجرای احکام الهی ایجاد می‌کند که مردم گمان می‌کنند او دین جدیدی را پایه‌ریزی کرده است. براساس منظومه روایی شیعه، این تفکر و گمان غلط است؛ زیرا مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف دین، کتاب، احکام و سنت جدیدی برای مردم نمی‌آورد، بلکه همان دین جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را احیا و بازسازی و دین اسلام را از خرافه، بدعت و انحراف پیراسته می‌کند. در آن زمان، دین حیات تازه‌ای می‌گیرد و مسیر شکوفایی و غلبه بر ادیان دیگر را به سرعت طی می‌کند.

واژگان کلیدی: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دین، دینداری، عصر غیبت، عصر ظهور،

مهدویت، بدعت.

۱. دانش پژوه رشته مطالعات اسلامی به زبان انگلیسی، از کشور هندوستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

براساس روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام یکی از مسائل مورد انحراف در عصر غیبت، مسائل دینی مانند احکام، عقاید و معارف اخلاقی و حقوقی است. در عصر غیبت، مردم دچار عدم تشخیص حق از باطل می‌شوند و وضعیت دینداری آنها مطلوب نیست. براساس آیات قرآن با ظهور منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف دین حق بر همه ادیان محقق می‌شود. مسلمین یا شیعیان که منتظر ظهور هستند و امید دارند که در عصر ظهور بتوانند در دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خدمت کنند باید از نظر معرفتی با ویژگی‌های دین حق آشنا شوند و انحرافات دینداری را رصد کنند. یکی از مطالب مورد اشاره در گفتمان مهدویت از روایات و احادیث معصومین علیهم‌السلام تعطیل شدن دین در عصر غیبت و آوردن دین و سنت فراموش شده پیامبر صلی الله علیه و آله توسط منجی موعود است به طوری که مردم گمان می‌کنند دین جدید آمده است. برای روشن شدن این مسئله باید ابتدا مفهوم دین و دینداری روشن و سپس وضعیت دینداری در عصر غیبت و ظهور بررسی شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای درصدد پاسخ‌گویی به این شبهه در گفتمان مهدویت است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. دین در لغت

واژه دین در فرهنگ لغت دهخدا، مترادف با کلمات حکم و قضا، رسم و عادت، شریعت و مذهب، همبستگی و... است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۵۷۲) کاربردهای قرآنی نیز به معانی زیادی مانند جزا، حساب، قانون، شریعت، طاعت و بندگی، تسلیم و انقیاد، اسلام، روش و رویه، توحید و خداپرستی اشاره کرده است. برای مثال در معنای جزا آمده است: «مالک یوم الدین؛ صاحب روز جزاست» (حمد: ۳)؛ «أإذا متنا و کنا ترابا و عظاما إنا لمدینون؛ که وقتی ما مردیم و به خاک و استخوان مبدل شدیم بار دیگر زنده می‌شویم و جزا داده خواهیم شد» (صافات: ۵۳)؛ «وإن علیک اللعنة إلی یوم الدین؛ و لعنت و دوری از رحمت حق تا روز قیامت بر تو خواهد بود» (حجر:

۳۵). در آیات دیگر، واژه دین به معنای قانون و شریعت به کار رفته است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرِّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛ در قبول دین اکراهی نیست؛ زیرا راه درست از راه انحرافی روشن شده است» (بقره: ۲۵۶)؛ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ؛ او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد» (توبه: ۳۳)؛ «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ؛ دین در نزد خدا، اسلام و تسلیم بودن در برابر حق است» (آل عمران: ۱۹).

۲-۲. دین در اصطلاح

دین، مجموعه‌ای از برنامه‌های عملی هماهنگ با نوعی جهان بینی است که انسان برای رسیدن به سعادت خود آن را وضع می‌کند و یا از دیگران می‌پذیرد. (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۳) دین، روش ویژه‌ای است که سعادت و صلاح دنیوی انسان را هماهنگ و همراه با کمال اخروی و حیات حقیقی جاودانی او تأمین می‌کند. از این رو، شریعت باید دربرگیرنده قوانینی باشد که نیازهای دنیوی انسان را نیز شامل شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲/۱۳۰). در قرآن، دین به راه و رسم زندگی اطلاق می‌شود و مؤمن و کافر، حتی کسانی که خداوند را هم قبول ندارند بدون دین نیستند؛ زیرا زندگی انسان بدون داشتن راه و رسمی صورت نمی‌گیرد. دین مورد قبول از نظر قرآن، راه و رسمی است که آفرینش انسان به سوی آن هدایت می‌کند نه آنچه از عواطف و احساسات فرد یا جامعه سرچشمه می‌گیرد چنانچه می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ؛ روی خود را برای دین استوار کن، با تمام توجه دین را بپذیر درحالی که اعتدال را پیش‌گیری و از افراط و تفریط بپرهیزی. دینی که همان آفرینش خدایی است. آفرینش خدا تغییر ندارد. آن است دینی که به اداره زندگی انسان توانایی دارد» (روم: ۳۰). براساس نظر اسلام، دین درست و مورد قبول، تنها دین اسلام است که مجموعه اعتقادات، احکام، معارف و تعلیمات آن، هدایت‌کننده بشر در هر عصر و زمانی است: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ؛ همانا دین حقیقی نزد خدا اسلام است» (آل عمران: ۱۹)؛ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

المشركون؛ اوست خدایی که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد هرچند مشرکان ناراضی و مخالف باشند» (توبه: ۳۳).

۳. دین و دینداری در عصر غیبت

براساس آنچه از روایت‌های اسلامی برمی‌آید حفظ دین و ایمان یکی از سخت‌ترین کارها در آخرالزمان است. آخرالزمان دوره‌ای است که پیدایش بدعت‌ها در دین و شعائر دینی نیز به‌اوج می‌رسد. بدعت‌هایی که آن چنان در بطن سنت‌ها و اصالت‌های اسلامی نفوذ می‌کند که بسیاری از دین‌داران به‌هیچ‌روی گمان بدعت بودن آنها را نخواهند داشت. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «شخص صبح می‌کند درحالی که مؤمن است و شام می‌کند درحالی که منافق یا کافر است. همچنین شب می‌کند در حال اسلام و ایمان و صبح می‌کند در حال کفر و نفاق»؛ «یصبح الرجل مؤمنا و یمسی کافرا و یصبح کافرا، یبیع أحدهم دینه بعرض من الدنيا قليل؛ در آن هنگام انسان، صبح مؤمن است و شب کافر می‌شود، شب کافر است و روز مؤمن می‌شود و دین خود را به‌عرض ناچیز دنیا می‌فروشد» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۱۹۰؛ ابن حماد، ۱۴۲۳، ص ۷۸).

این مسئله دلایل مختلفی دارد. برای مثال، تحریف در آموزه‌های متعالی و راستین دین در این عصر فزونی می‌گیرد و ادیان و مکاتب مختلفی شکل می‌گیرد. این ادیان ساختگی، رنگ و بویی از حقیقت ندارند و تهی از معنویت و باورهای راستین حق‌گرایانه هستند. در این رابطه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «إن الإسلام بدأ غريبا و سيعود غريبا كما بدأ فطوبى للغرباء؛ اسلام غریبانه آغاز شد و زود باشد که به غریبی بازگردد و خوشا به‌حال غریبان» (متقی هندی، ۱۴۱۹). در روایت دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ستكون فتن یصبح الرجل فیها مؤمنا و یمسی کافرا، إلا من أحياء الله تعالى بالعلم؛ به‌زودی فتنه‌ها، آزمایش و حوادثی که سبب امتحان می‌شود، رخ خواهد که فرد، صبح، مؤمن است و شب کافر و بی‌دین می‌شود، مگر کسی که خداوند او را به علم، زنده کرده باشد» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۵۲۲). در این روایت، تنها کسانی که اهل علم و نقد و

بررسی هستند از فتن آخرالزمان در امان خواهند بود، البته منظور از علم، علم الهی است که قلب انسان را روشن و زنده می‌کند.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «سیأتی زمان علی الناس وجوهم ضاحكة مستبشرة و قلوبهم مظلمة متكدرة السنه فيهم بدعة، و البدعة فيهم سنة، المؤمن بينهم محقر و المنافق بينهم موقر؛ بر مردم زمانی خواهد آمد که چهره‌هایشان خندان و شاد است، ولی دل‌هایشان تاریک و گرفته است. سنت در میان آنها بدعت شمرده می‌شود و بدعت، سنتی رایج می‌گردد. مؤمن در میانشان حقیر است و منافق در بین آنها محترم شمرده می‌شود» (محدث نوری، ۱۳۶۶، ۱۱/۳۸۰). براساس این حدیث، فراموش کردن و زیر پا گذاشتن سنت صحیح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عامل انحراف است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «سیأتی علی الناس زمان یکثر فيه الدجالون و الکذابون یحدثونکم بأحادیث لم تسمعوها أنتم ولا آبائکم، فیاکم وایاهم، لا یضلوکم؛ در آخرالزمان، دغل‌بازان و فریبکارانی بیانند که حدیث‌هایی نو و روایت‌هایی جدید از دین بر شما بخوانند آنچنان که نه شما و نه پدران‌تان چنین حدیث‌هایی نشنیده باشید، پس دوری‌گزینید از آنها. مبدا به دام تزویر و فریبشان بیفتید» (متقی هندی، ۱۴۱۹). در این زمان احکامی از اسلام و قرآن براساس میل مردم تأویل و تفسیر می‌شود و بسیاری از حدود و احکام چنان فراموش می‌شوند که گویا از اسلام نبودند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یأتی علی الناس زمان لا یبقی من الإسلام إلا اسمه، ولا یبقی من القرآن إلا رسمه، أناس یسمون به وهم أبعد الناس عنه؛ زمانی برسد که از قرآن جز رسم الخطی و از اسلام جز نامی برای مسلمانان نماند، چنان‌که گروهی به دین خدا در جهان خوانده شوند، درحالی‌که همین گروه از هر کسی از اسلام دورتر باشند». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۲/۱۹۰) این حدیث، هشدار است در مورد خطر انحراف از مسیر اصلی اسلام و اهمیت عمل به آموزه‌های قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم. این حدیث بر لزوم توجه به عمق و معنای دین، فراتر از ظواهر و نام‌ها تأکید می‌کند. امام رضا علیه السلام نیز در مورد خطر بی‌اعتقادی نسبت به دین در آخرالزمان فرمود: «إنه لا یكون صاحب هذا الأمر إلا من خلصت نیته الله فی طاعته و العمل بأوامره؛ در دوران غیبت امام، جز

دینداران خالص، کسی بر اعتقاد خود استوار نمی ماند» (صدوق، ۱۳۹۶، ۱/۵۱). از جمع بندی روایت ذکر شده مسئله سخت شدن دینداری یا دشواری معتقد و متعهد بودن به دین درست و مورد تأیید خدا و رسول مشخص می شود. از طرفی استثنای اهل علم و اهل اخلاص و عمل صالح، نویددهنده این مطلب است که بالاخره در آخرالزمان باید به این طیف مؤمنان توجه کرد و از آنها الگو گرفت.

۴. دین و دینداری در عصر ظهور

از ظاهر برخی روایت ها این انگاره حاصل می شود که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با ظهور خود، آیین و روش جدیدی خواهد آورد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «اذا خرج القائم یاتی بامر جدید و کتاب جدید و سنه جدید و قضاء جدید؛ هنگامی که قائم ظهور می کند فرمان نو، کتاب نو، روش نو و دادگاه (قضای) نو می آورد» (نعمانی، ۱۳۵۹، ص ۲۳۵). در حدیث دیگری آمده است: «اذا قام القائم جاء بامر جدید کما دعا رسول الله فی بدو الاسلام الی امر جدید؛ هنگامی که قائم قیام می کند امری جدید می آورد همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد» (مفید، ۱۴۱۳، ۲/۳۸۲). یکی از پرسش های مهم این است که آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با ظهور خود، دین جدید می آورد که جدای از اسلام است یا دعوت ایشان مغایر با دعوت رسول الله صلی الله علیه و آله است. برای پاسخ به این پرسش باید گفت که اگر در منابع حدیثی جست و جویی شود واژه ای با نام دین جدید مغایر با اسلام پیدا نمی شود، ولی متأسفانه ترجمه فارسی برخی احادیث به این اشاره می کند که امام، دین جدایی می آورد. این ترجمه صحیح نیست؛ زیرا مقصود از عبارت «یستأنف الاسلام جدیداً» بازسازی اسلام است نه آوردن دین جدیدی غیر از اسلام.

اسلام در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دچار انحرافات شده است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این بدعت ها را از بین خواهد برد و اسلام را تازه و شکوفا خواهد کرد. اگر مراد از امر جدید، دین جدید باشد، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هرگز دین جدید و تازه ای غیر از اسلام پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نخواهد آورد؛ زیرا نزد خدا دین فقط یکی است: «إن الدین عند الله الإسلام...؛ دین نزد خدا اسلام است...» (آل عمران: ۱۹). براساس برخی از روایات، این مسئله روشن می شود که امام

زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هرگز دین جدید نخواهد آورد، بلکه همین دین اسلام را به معنی درستی اجرا خواهد کرد. همان طور که برخی از روایات به آن اشاره دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ان الاسلام بدا غریبا و سيعود غریبا کما بدا، فطوبی للغریاء؛ اسلام، غریبانه آغاز شد و زود باشد که به غریبی بازگردد و خوشا به حال غریبان» (متقی هندی، ۱۴۱۹).

از اینکه اسلام در آخر نیز گرفتار غربت می شود به خوبی می توان استفاده کرد که همان قوانین گذشته که دچار فراموشی یا تحریف شده است با قیام آن حضرت احیا خواهد شد به طوری که دعوت آن حضرت به احکام و قوانین صحیح دینی در نظر مردم، جدید و تازه جلوه می کند؛ یعنی خود احکام جدید نیست، بلکه در نظر مردم جدید خواهد بود. وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند بدعت ها را ابطال و احکام خدا را به همان گونه ای که صادر شده بود ظاهر می کند. ایشان حدود اسلامی را بدون سهل انگاری اجرا می کند و معلوم است که برای مردم چنین برنامه ای تازگی دارد. امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف حقایق ناگفته از دین را بیان می کند، تعالیم فراموش شده اسلام را زنده می کند و با تحریفات صورت گرفته در دین مقابله می کند. ایشان با بدعت ها و نوآوری هایی که در دین صورت گرفته است نیز به شدت مبارزه می کند.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «یصنع ما صنع رسول الله، یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله امر الجاهلیه و یستأنف الاسلام جدید؛ مهدی براساس شیوه رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار می کند و آنچه از نشانه های گذشته باشد از میان می برد، همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله نشانه های جاهلیت را از بین برد. پس از ریشه کن کردن بدعت ها، اسلام را از نو پیاده می کند». (نعمانی، ۱۳۵۹) در روایت دیگری آمده است: «لایترک بدعه الا ازالها و لا سنه الا اقامها؛ هیچ بدعتی نیست مگر آنکه مهدی آن را از پیکر اسلام می زداید و هیچ سنتی نیست جز اینکه آن را برپا می دارد» (مفید، ۱۴۱۳، ۲۵/۴۳۶). در فرازهایی از دعای ندبه به این مسئله مهم اشاره شده است: «این المدخر لتجدید الفرائض و السنن، این المتخیر لاعادة الملة و الشریعة، این المؤمل لاحیاء الکتاب و حدوده، این محیی معالم الدین و اهله؛ کجاست آن کسی که برای تجدید و زنده کردن فرائض و سنن (آیین اسلام که محو و فراموش شده) ذخیره شده است. کجاست آن کسی که برای

برگرداندن (حقایق) ملت و شریعت (دین مقدس اسلام) برگزیده شده است. کجاست آنکه برای زنده کردن کتاب آسمانی قرآن و حدودش مورد امید و آرزوست. کجاست زنده‌کننده نشانه‌های دین و اهل آن» (سید بن طاووس، ۱۴۰۹، ص ۵۰۳).

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف هدایت‌کننده است؛ یعنی همان دین حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بسط و گسترش می‌دهد. بنابراین، حکمت اصلی نامیده شدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف به مهدی آن است که آن حضرت مردم را به آنچه که از آن دور شده‌اند یعنی، احکام واقعی اسلام هدایت خواهد کرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إذا قام القائم علیه السلام دعا الناس إلى الإسلام جديداً و هداًهم إلى امر قد دثر و ضل عنه الجمهور و انما سمي القائم مهدياً لانه يهدي إلى امر مضلول عنه و سمي القائم لقيامه بالحق؛ وقتی قائم ما قیام کرد مردم را از نو به سوی اسلام دعوت می‌نماید و به سوی چیزی که کهنه شده و عموم مردم از آن دور افتاده‌اند، هدایت می‌کند. آن جناب، مهدی نامیده شده؛ زیرا به چیزی که مردم از آن دور شده‌اند، هدایت می‌شود و قائم نامیده شده است؛ چون برای به‌پا داشتن حق قیام می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۱/۳۰۲). رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی بر احیای سنت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف تأکید کرده است و می‌فرماید: «یخرج رجل من اهل بیتی و يعمل بسنتی؛ یکی از اهل بیت من قیام می‌کند و به سنت و روش من عمل می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۵۱/۸۲). در روایاتی که بحث کتاب و احکام تازه مطرح می‌شود باید توجه داشت که این مسئله به معنای آوردن قرآن دیگر نیست، بلکه آن حضرت اهداف و برنامه‌های اصیل قرآن و تفسیر واقعی آیات را بیان خواهد کرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لو قد قام قائمنا، استأنف بکم تعلیم القرآن و شرایع الدین و الاحکام و الفرائض کمال انزل الله علی محمد صلی الله علیه و آله؛ وقتی قائم ما به‌پا خیزد و سخنگوی ما سخن بگوید قرآن و احکام دین را همان‌گونه که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است از نوبه شما می‌آموزد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲/۴۷).

۵. نتیجه‌گیری

حوادثی که بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله رقم خورد و اتفاقاتی که مسیر خلافت را از مسیر امامت و ولایت جدا کرد زمینه مناسبی برای تغییر سنت‌های اصیل اسلامی را فراهم کرد. غیبت طولانی

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تمام جنبه‌های زندگی شیعیان و مسلمین از جمله تدین و دینداری آنها تأثیر گذاشت. نبود امام معصوم در میان امت اسلامی که هادی و راهنما بود اثرات قابل توجهی در فهم و استنباط مسلمین از مسائل دینی ایجاد کرده است. براساس آیات و روایات اشاره شده در متن تحقیق پیش‌رو، وضعیت دینداری مسلمین در عصر غیبت دستخوش انحرافات و بدعت‌هایی می‌شود که اصلاح آن فقط به دست امام معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف شدنی است. فراموش کردن سنت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله و برداشت‌های ذوقی و شخصی از احکام اسلامی و معیار قرار دادن منفعت شخصی و گروهی به جای محوریت قرار دادن رضایت خداوند متعال از اتفاقات ناگواری است که در عصر غیبت براساس روایات ائمه معصومین علیهم السلام گریبانگیر امت اسلامی می‌شود. آخرین حجت و ذخیره الهی با قیام و ظهور خود، وضعیت دینداری مردم را اصلاح کرده و چنان تغییراتی در اجرای احکام الهی ایجاد می‌کند که مردم گمان می‌کنند او دین جدیدی را پایه‌ریزی کرده است. براساس استدلالات ارائه شده، این تفکر و گمان غلط است؛ زیرا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دین، کتاب، احکام و سنت جدیدی برای مردم نمی‌آورد، بلکه همان دین جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله را احیا و بازسازی می‌کند. به عبارت دیگر، دین اسلام را از خرافه، بدعت و انحراف پیراسته می‌کند. در آن زمان، دین حیات تازه‌ای می‌گیرد و مسیر شکوفایی و غلبه بر ادیان دیگر را به سرعت طی می‌کند. هیچ عقل سلیم و فطرت منصفی این دین را رها نمی‌کند، بلکه با آغوش باز آن را می‌پذیرد. براساس وعده الهی در قرآن، دین اسلام بر ادیان دیگر برتری پیدا می‌کند و مردم به اسلام روی می‌آورند. امام صادق علیه السلام فرمود: «و تشرق الارض بنور ربها و لا یبقی فی الارض بقعه عبد فیها غیر الله عزوجل الا عبد الله فیها و یكون الدین كله لله و لو کره المشركون؛ زمین با نور پروردگار روشن می‌شود و در زمین مکانی باقی نمی‌ماند که در آن غیر خدا عبادت شود هرچند مشرکان را خوش نیاید» (عاملی، ۱۴۲۵، ۳/۵۶).

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۸). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: مرکز طبع و نشر قرآن.
۱. ابن حماد، نعیم (۱۴۲۳). الفتن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۲. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹). اقبال الاعمال. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۳. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه، کلمات قصار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. تهران: دنیای دانش.
 ۴. حرعاملی، شیخ (۱۴۲۵). اثباه الهداه بالنصوص و المعجزات. تهران: انتشارات الاعلمی.
 ۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
 ۶. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی (۱۳۹۶). تمام الدین و کمال النعمه. تهران: انتشارات فقه.
 ۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۸. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۸). شیعہ در اسلام. قم: بوستان کتاب.
 ۹. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۱۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. تهران: مؤسسه الوفاء.
 ۱۱. محدث نوری، حسین بن علی (۱۳۶۶). مستدرک وسایل الشیعہ. بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
 ۱۲. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
 ۱۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۵۹). الغیبه. مترجم: فهری زنجانی، سیداحمد. تهران: دارالکتب الاسلامیه.